

اونوره دوبالزاک در ایران

مقاله پژوهشی

فاطمه قادری

دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان فرانسه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه

فردوسی، مشهد، ایران

محمدرضا فارسیان^۱

دانشیار زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

چکیده

قرن نوزدهم فرانسه، به نوعی دوران شکوفایی ادبی است و این شکوفایی ادبی را وام‌دار مکتب‌ها و جریان‌های ادبی و البته پیشگامان آن‌هاست. پیدایش مکتب‌های ادبی متعدد، زمینه ظهور نویسندگان بزرگی را در عرصه‌های مختلف رمان‌نویسی، شعر، تئاتر و... فراهم آورد که شهرت و تأثیر آن‌ها نه تنها در فرانسه که در سرتاسر جهان غیرقابل انکار است. شمار زیادی از شاهکارهای ادبی و شاعران و نویسندگان بزرگ این قرن به لطف ترجمه و مترجمان برای جهانیان و البته ایرانیان شناخته شده‌اند. مکتب رئالیسم در فرانسه با نام چند تن از نویسندگان پیوند خورده است. اونوره دو بالزاک، یکی از معروف‌ترین نویسندگان و پیشگامان این مکتب به‌شمار می‌رود که واقعیت‌های اجتماعی عصر خود را در آثارش به تصویر کشیده است. جایگاه ویژه اونوره دو بالزاک در ادبیات فرانسه و البته در مکتب رئالیسم، ما را بر آن داشت تا در پی مطالعه و بررسی جایگاه این نویسنده در ایران باشیم. در این تحقیق خواهیم کوشید تا با بهره‌گیری از نظریه پذیرش به بررسی دلایل جایگاه عالی این نویسنده در جامعه ایرانی بپردازیم. نظریه پذیرش، نظریه‌ای منشعب از ادبیات تطبیقی و خواننده‌محور است که مقبولیت یا عدم مقبولیت نویسنده یا اثری خارجی را در جامعه بررسی می‌کند و در صدد کشف دلایل پذیرش آن‌ها بر می‌آید. بنابراین در تحقیق پیش رو،

تلاش خواهد شد تا پس از ارائه آمار دقیق، به بسترهای پنهان ولی مؤثر در مقبولیت بالزاک که عمدتاً بسترهای اجتماعی فرهنگی هستند، نیز اشاره شود.
کلیدواژه‌ها: اونوره دو بالزاک، رئالیسم، ترجمه، پذیرش

۱. مقدمه

اونوره دو بالزاک، نویسنده شهیر قرن نوزدهم فرانسه که آثار ادبی بسیاری از خود برجای گذاشته است، یکی از نویسندگانی است که از گذشته تا کنون در ایران مورد توجه تعداد نسبتاً زیادی از مترجمان و مراکز نشر بوده است. او که یکی از شاخص‌ترین چهره‌های مکتب رئالیسم است برای نخستین بار در سال ۱۳۲۷ با ترجمه دو اثر دختر چشم طلایی و سرهنگ شابر به ایرانیان معرفی و شناسانده شد. توجه جامعه ادبی ایران به این نویسنده و آثارش به این دو اثر محدود نشده و تعداد قابل توجهی از آثارش، توسط مترجمان مختلف به زبان فارسی برگردانده شده‌اند. برگردان دیگر آثار این نویسنده از زبان فرانسوی، زمینه آشنایی هرچه بیشتر ایرانیان را با وی فراهم آورد. اما چگونگی و روند این آشنایی و پذیرش برای ما در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. هدف تحقیق پیش رو مطالعه و بررسی فرایند این آشنایی و نتایج حاصل از آن است. در راستای تحقق این پژوهش که در دسته پژوهش‌های تطبیقی جای می‌گیرد، از تئوری پذیرش یاری گرفتیم. بدین ترتیب در تحقیق حاضر ابتدا به معرفی ابزار تحقیق یعنی نظریه پذیرش می‌پردازیم و سپس آثار ترجمه‌شده را بررسی کرده و مقبولیت این نویسنده را در سطوح مختلف جامعه ایرانی، مثل مترجمان، جامعه دانشگاهی، پژوهشگران و خوانندگان عادی بررسی می‌کنیم. آنگاه سعی خواهیم کرد تا با مطالعه شرایط اجتماعی، فرهنگی ایران، به بررسی دلایل مقبولیت یا عدم مقبولیت این نویسنده در برهه‌های زمانی مختلف، از چاپ اولین اثر تا امروزه بپردازیم.

۲. پیشینه پژوهش

در ایران در مورد بالزاک و آثارش پژوهش‌هایی صورت گرفته است که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها، پژوهش‌هایی تطبیقی هستند: ابراهیم رنجبر در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه زنبق دره بالزاک با دانش آکل هدایت»، به بررسی تطبیقی این دو اثر پرداخته و عنوان می‌دارد که «میان

آن‌ها تشابهی آشکار و انکارناپذیر وجود دارد» (رنجبر، ۱۳۸۷: ۴۹). سمیرا بوباکور نیز در مقاله «بالزاک میان نوشتار و ثروت: تجربه زندگی»، در صدد مطالعه همزمان زندگی و آثار بالزاک برآمده و به‌ویژه به بررسی جایگاه پول در این دو عرصه می‌پردازد. «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های بالزاک و جمال زاده در دو اثر اوژنی گراند و دارالمجانین» نیز عنوان مقاله‌ای است از کریم حیاتی آشتیانی و سونیا طالبی. این مقاله بر این فرض بنا شده است که میان اندیشه‌های این دو نویسنده به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، می‌توان تشابه و ارتباط قاعده‌مندی را مشاهده کرد. ابراهیم سلیمی کوچی و مینا اعلایی نیز در مقاله‌ای با عنوان «بازگشت شخصیت‌ها در آثار مصطفی مستور: نوپرداز فن داستان‌نویسی بالزاک»، به بررسی تطبیقی دو نویسنده یاد شده پرداخته‌اند. «بررسی جایگاه زن در آثار واقع‌گرایانه جمالزاده و بالزاک» هم مقاله‌ای تطبیقی است که در آن فریده علوی و سهیلا سعیدی جایگاه زن را در آثار این دو نویسنده که بنیان گزاران این مکتب در فرانسه و ایران هستند، بررسی می‌کنند. حسن‌زاده میرعلی نیز در «مقایسه تحلیلی رمان‌های ناتورالیستی *نانا* و رئالیستی *باباگوریو*»، اصول و قواعد مکتب رئالیسم و ناتورالیسم را، در دو اثر یاد شده، مورد نقد و بررسی داده است.

۳. بحث و بررسی

۳.۱. تئوری پذیرش

نظریه پذیرش (دریافت، اقبال) یکی از نظریه‌های منشعب از ادبیات تطبیقی است که به بررسی دلایل مقبولیت یا عدم مقبولیت یک اثر در جامعه‌ای بیگانه می‌پردازد. پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه پذیرش، یکی از مهم‌ترین نوع مطالعات در ادبیات تطبیقی است. ادبیات تطبیقی و نقد ادبی، حاوی نقاط مشترکی هستند که تعیین مرزبندی بین این مفاهیم مشترک، نیازمند دقت و باریک‌بینی خاصی است. یکی از این نقاط مشترک، نظریه پذیرش یا نقد خواننده‌محور است که ابتدا در حوزه نقد ادبی جدید طرح شد. پیدایش نظریه‌های جدید نقد در دوران معاصر راهی بود به‌سوی کمال نقد ادبی سنتی و توجه به نقاط مبهمی که از دید نقد سنتی پنهان مانده و توجه چندانی به آن‌ها نشده بود. یکی از این نقاط مبهم، نقش خواننده در آفرینش و تفسیر متون ادبی است؛ چراکه نقد سنتی همواره بیشتر توجه خود را به ادیب و

اثر ادبی معطوف ساخته و آن‌چنان که باید و شاید، نقش خواننده را در نقد ادبیات پر رنگ نکرده است. هرچند نمی‌توان توجه خواننده یا مخاطب را در فرایند نقد سنتی کاملاً انکار کرد؛ زیرا در لابه‌لای نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف می‌توان نشانه‌هایی از آن را یافت، مانند آرای ارسطو و عبدالقاهر جرجانی و دیگران. بنابراین، نقد جدید در پی اصلاح این نقیصه برآمد و با مطرح کردن نظریه پذیرش و تأکید بر نقش خواننده در آفرینش معنا و نقش کلیدی آن در معنا، زمینه‌ای نو در ادبیات پدید آورد. از سوی دیگر، این نظریه وارد ادبیات تطبیقی شد و تطبیق‌گران کوشیدند تا خوانش‌های مختلف آثار ادبی و عوامل مؤثر بر آن را از منظر ادبیات تطبیقی، در جوامع و فرهنگ‌های مختلف مطالعه و بررسی کنند (پروینی و شکری، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۴).

طبق این نظریه که آیزر و یاوس پایه گزاران آن هستند، اثر ادبی پس از نگارش، از نویسنده خود جدا شده و حتی واژه معنا و مفهومی را که نویسنده اثر برای آن در نظر داشته است، از دست می‌دهد؛ آنگاه که خواننده‌ای اقدام به خوانش اثر می‌کند، دیگر بار بدان معنا و مفهوم می‌بخشد. و بدین ترتیب خواننده به‌جای نویسنده، در مرکز توجه و مطالعه قرار می‌گیرد، از حالت انفعال خارج می‌شود و دیگر بسان سابق تنها تحت تأثیر ایده‌های نویسنده نخواهد بود. زیبایی‌شناسی دریافت به‌عنوان یکی از نظریات خواننده‌محور، بر آن است که معنا در متن نهفته است و این مخاطب است که فراتر از کشف معنا آن را خلق می‌کند. بر این اساس، اثر هنری زمانی کامل می‌شود که خوانندگان در برهه‌های مختلف آن را تفسیر کنند. در این نظریه، این سؤال همیشگی که «معنای متن ادبی چیست؟» جایگزین این پرسش می‌شود که «متن ادبی با خوانندگان خود چه کرده است؟» (آیزر، ۱۹۷۸: ۱۷۳).

بدین ترتیب اثر ادبی به تعداد خوانندگان خود دارای معناهایی متعدد و متفاوت خواهد بود؛ خوانندگانی که هر یک تحت تأثیر عوامل محیطی، شناختی، پیش‌دانسته‌ها و تجارب مختلف خود، تفسیری منحصر به فرد از متنی واحد خواهند داشت. در این نظریه خواننده حتی می‌تواند نسبت به هدف نویسنده بی‌توجه بوده و معنایی کاملاً متفاوت از متن بیافریند. اما با وجود اینکه خوانش تحت تأثیر احساسات درونی افراد است، خوانش‌های متعددی که از یک اثر صورت می‌گیرد، معمولاً به هم نزدیک‌اند و علت این امر را نیز می‌توان در فرهنگ خوانندگان جست و

جو کرد؛ چرا که این خوانش‌ها علاوه بر تأثیرپذیری از هویت فردی خوانندگان، از هویت فرهنگی مشترک آنان نیز تأثیر می‌پذیرند (فارسیان و قادری، ۱۳۹۹: ۳۱). افق انتظار «پیش از هرچیز نوعی کد هنری عرضه می‌کند که به خواننده امکان می‌دهد تا با اثری که اخیراً ظهور یافته و هنوز ناشناخته است، روبه‌رو شود» (کیبیدیوارگا، ۱۹۸۱: ۲۹۴). از طرفی یاوس این مفهوم را به صورت واحد تعریف نکرده و میان افق انتظار خواننده و افق انتظار اثر تفاوت قائل می‌شود.

افق انتظار اولین خوانندگان یک اثر، همان سیستم رفرنس‌هایی هستند که پیش از تجربه‌ای که خوانندگان از این نوع نوشتار یا از شکل و موضوع آثار قبلی دارند، به وجود می‌آید. در یک متن قرائت‌پذیر، همواره رفرنس‌های مستتری هستند که به خوانندگان که پیشاپیش به نوعی دریافت عادت دارند، ارائه می‌شوند. این رفرنس‌های از پیش تعیین شده، همان افق انتظار یک متن را تشکیل می‌دهند. اثر وقتی نوشته می‌شود، اگر با افق انتظار خوانندگان فاصله نداشته باشد، شیوه‌هایی را که متعاقباً قبول شده است، منعکس خواهد کرد و به ادبیاتی که در آن جامعه شناخته شده است، مرتبط خواهد شد. ولی اثری که نوشته می‌شود، اگر هم‌زمان با چاپ آن، قرائت و دریافت عملی نشود و از جامعه خود فاصله بگیرد، هم‌زمان با انتشار دریافت مثبتی نخواهد داشت و فهم و دریافت آن عملی نخواهد شد. همین اثر که دریافت مثبتی نداشته است، در طول تاریخ قرائت می‌شود و به صورت یک اثر کلاسیک درمی‌آید؛ زیرا افق‌های انتظار با پیدایش بی‌وقفه آثار جدید تغییر می‌پذیرند و آثاری که در عصر خودشان ناشناخته می‌مانند، بعداً به مرور زمان شناخته می‌شوند و احتمالاً از موقعیت جالب توجهی برخوردار می‌گردند (جواری، ۱۳۷۹: ۴۴-۴۶).

مفهوم دیگری که پس از افق انتظار در این نظریه مطرح می‌شود، مفهوم «شکاف زیبایی‌شناسی» است؛ فاصله بین افق انتظار اثر و افق انتظار خواننده. اگر این شکاف کوچک باشد، در روند دریافت و پذیرش اثر خللی وارد نمی‌شود. اثر به خوبی در جامعه پذیرفته شده و خوانندگان را در عاداتشان تصدیق می‌کند اما در غیر این صورت، اثر ادبی در مقابل کدهای فرهنگی و هنجارهای جامعه قرار گرفته و با عدم پذیرش مواجه خواهد شد.

نقشی که ترجمه در نظریه پذیرش ایفا می‌کند، نقشی اساسی و غیرقابل انکار است. مترجم ادبی به‌عنوان نخستین خواننده و نخستین دریافت‌کننده متن عمل کرده و با توجه به دریافت خود از متن ادبی، اثر را ترجمه می‌کند؛ بنابراین خوانش‌هایی که از اثر ادبی صورت می‌پذیرد، خواه ناخواه تحت تأثیر دریافت مترجم از متن ادبی و توانایی وی در انتقال مفاهیم خواهند بود. اما ترجمه چیست و «مترجم خوب» چه کسی است؟ نایدا می‌گوید:

ترجمه عبارت است از پیدا کردن نزدیک‌ترین معادل طبیعی پیام زبان‌دهنده در زبان گیرنده، نخست از لحاظ معنایی و دوم از لحاظ سبک. نیومارک ترجمه را فن و حرفه‌ای می‌داند که طی آن سعی می‌شود پیام نوشتاری زبانی را با همان پیام در زبان دیگر جایگزین کنند. (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۵۶)

مترجم یا خواننده‌محور است یا نویسنده‌محور. نجفی (۱۳۶۵: ۱۴) در مقاله «امانت در ترجمه» می‌گوید: میان دو ترجمه وفادار و آزاد، ترجمه دیگری است که من آن را ترجمه امین می‌دانم. برای تعریف این نوع ترجمه، به سخن یکی از صاحب‌نظران بزرگ، روزه کایوا، استناد می‌کنم. او می‌گوید:

خوب ترجمه کردن آثار شکسپیر یا پوشکین، اگر به‌جای امکانات زبان انگلیسی یا روسی امکانات زبان فارسی را در اختیار داشتند، آن را می‌نوشتند. پس ترجمه خوب نه لفظ به لفظ است نه ادیبانه. بلکه عبارت است از ابداع متنی که نویسنده اگر زبان مادری‌اش همان زبان مترجم می‌بود، آن را می‌نوشت. (نجفی، ۱۳۶۵: ۱۴)

۲.۳. آثار ترجمه شده بالزاک در ایران

۱.۲.۳. تاریخچه ترجمه آثار فرانسوی در ایران

برای مطالعه و بررسی آثار ترجمه‌شده بالزاک در ایران، ابتدا نیازمند بررسی تاریخچه ترجمه در ایران یا به عبارتی بهتر، تاریخچه ترجمه آثار فرانسوی در ایران هستیم.

سال ۱۲۱۵ هجری قمری (برابر با ۱۸۰۰ میلادی) را که مقارن با چهارمین سال حکمرانی فتحعلی شاه قاجار است، باید سرآغاز دوره نوین ترجمه در ایران دانست. زبان فرانسه که از دیرباز در بیشتر کشورهای اروپایی و به‌ویژه در میان درباریان، اشراف و تحصیل‌کردگان

متداول بود، از طریق برقراری روابط رسمی سیاسی و فرهنگی ایران با اروپا، آوردن کارشناسان فنی در امور نظامی و مهندسی، اعزام دانشجوی و کارآموز به فرنگ، در کشور ما نیز تا حد زیادی اهمیت یافت (کمالی، ۱۳۹۲: ۲۱).

در دوران قاجار، تغییر و تحولات سیاسی، گسترش مطبوعات، پیدایش چاپخانه‌ها، برقراری ارتباط با غرب از طریق اعزام دانشجوی و سفر به اروپا و الگوبرداری از مدارس اروپایی (تأسیس مدرسه دارالفنون) از عوامل گسترش ترجمه در ایران هستند. پس از تأسیس مدرسه دارالفنون، مهم‌ترین مسئله، استخدام مدرسانی برای تدریس در این مدرسه بود. این مدرسان که نمی‌بایست تبعه کشورهای باشند که ایران از آن‌ها واهمه داشت (انگلستان، روسیه و فرانسه) تنها یک زبان مشترک داشتند که همان زبان مشترک اروپاییان آن زمان، یعنی زبان فرانسوی بود. بنابراین نه تنها می‌بایست به تدریس زبان فرانسوی می‌پرداختند، بلکه می‌بایست به ترجمه علمی نیز توجه نشان می‌دادند. از میان زبان‌های غربی، زبان فرانسه به علل مختلف در اذهان ایرانیان موقعیتی ممتاز داشت: نخست آنکه زبان علمی و ادبی عصر بود؛ دوم اینکه فرانسویان به‌ویژه در ایران به بدسابقگی انگلیس و روس نبودند و سوم آنکه فرانسه برای بسیاری، کشور انقلاب ژوئیه و پیشتاز آزادی فردی و حکومت ملی به‌شمار می‌آمد (سپانلو، ۱۳۸۱: ۴۱-۴۴).

دوره ناصری (حکومت ناصرالدین شاه قاجار) دوره استیلای فرهنگ فرانسه در ایران بود، زیرا فرانسه زبان رسمی دارالفنون تعیین گردید. همه معلمان خارجی به این زبان تدریس می‌کردند؛ برخی از این عده به دلیل نیاز دارالفنون به منابع درسی در رشته‌های مختلف، رساله‌هایی را به زبان فرانسه تدوین کردند ولی کمی بعد تعدادی از فارغ‌التحصیلان این مدرسه به ترجمه کتاب‌های مورد نیاز روی آوردند. اولویت در وهله اول با ترجمه لغات و اصطلاحات فنی و مطالب درسی و سپس با ترجمه مطالب متفرقه و تفنیی بود. پس از تأسیس دارالمطبعه و دارالترجمه همایونی، سرعت چاپ و انتشار آثار گوناگون ترجمه شده در دارالفنون فزونی یافت و مترجمان بیشتری که به‌ویژه در زبان فرانسه مهارتی داشتند، با میل و اشتیاق فراوان به کار ترجمه پرداختند. در حالی که در آن روزگار نویسندگان برجسته‌ای چون بالزاک، استاندال و فلوربر در فرانسه بسیار مطرح بودند، هیچ‌یک از آثار آنان نه در عهد ناصری نه در عهد مظفرالدین شاه ترجمه نگردید (کمالی، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۷).

۳.۲.۲. سیر ترجمه آثار فرانسوی در ایران

الف. «از مشروطیت تا ۱۳۲۰»: سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، سه تفنگ‌دار و کنت مونت کریستو و ژیل بلس و تلماک و تاریخ لوئی ۱۴ که جزو اولین ترجمه‌ها به فارسی بود، در این دوره منتشر شد. پس از آن حسینقلی مستعان در فاصله سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ بینویان اثر جاودانه ویکتور هوگو را به فارسی ترجمه کرده است (سپانلو، ۱۳۸۱: ۱-۴۴).

ب. «۱۳۲۰ تا ۱۳۴۲»: در این دوره است که برای اولین بار اثری از بالزاک به فارسی ترجمه می‌شود. «از ۱۳۳۲ به بعد هوگو، بالزاک، (هریک با بیش از ۱۰ اثر) و زولا (با ۱۰ اثر) پرخواننده‌ترین نویسندگان فرانسه در ایران هستند. در سال ۱۳۴۰ مادام بواری فلوبر، دن‌کیشوت سروانتس، باباگوریو بالزاک، سرخ و سیاه استاندال و ژان کریستف رومن رولان به فارسی برگردانده می‌شود». (خزاعی فر، ۱۳۸۰: ۲۶۴)

ج. «۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷»: در این دوره بالزاک با ۴۰ عنوان و هوگو با ۳۰ عنوان مقام خود را به‌عنوان پرخواننده‌ترین نویسندگان فرانسوی در ایران حفظ کرده‌اند. ترجمه آثار کامو و سارتر (هریک ۲۰ عنوان) ژول ورن و الکساندر دوما (۱۵ عنوان) و مویاسان (۱۰ عنوان) بارها به چاپ می‌رسد. آثار ژید، رولان، فلوبر، زولا، استاندال و مرل (هریک بیش از ۵ عنوان) از پرفروش‌ترین آثار ادبی فرانسه در ایران محسوب می‌شوند (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۴۱۲).

د. «۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰»: در این دوره در ایران بیش از ۶۰۰ عنوان از ۲۰۰۰ عنوان کتاب از ادبیات فرانسه ترجمه شده است. «ژول ورن در حدود ۱۰۰ عنوان، الکساندر دوما، بالزاک و هوگو (هریک بیش از ۳۵ عنوان) و زولا با ۱۵ عنوان پرخواننده‌ترین نویسندگان فرانسه در ایران محسوب می‌شوند (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۷۶۸).

ه. «۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰»: در این دهه آثار منتشرشده از ادبیات فرانسوی (حدود ۲۸۰ عنوان) از ۱۵۰۰ عنوان اغلب تجدیدچاپ است. ترجمه نوشته‌های ژول ورن یک‌سوم این آثار را تشکیل می‌دهد. جز داستان‌های ژول ورن و نویسندگانی مانند زولا، الکساندر دوما، بالزاک، هوگو و مویاسان و دیگران، آثاری نیز از نویسندگان زیر منتشر شده است: مارگریت دوراس، آندره ژید، پروست، سلین، کامو (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۱۲۵۶)

۳.۲.۳. سیر ترجمه آثار بالزاک در ایران

سال ۱۳۲۷، سال معرفی بالزاک به جامعه ایرانی است؛ سالی که برای نخستین بار دو اثر از این نویسنده مشهور فرانسوی در ایران به فارسی ترجمه شده و به چاپ می‌رسد. در این سال سرهنگ شابر با ترجمه عبدالله توکل و دختر چشم طلایی باز هم با ترجمه عبدالله توکل و رضا سیدحسینی به چاپ می‌رسد.

در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۲، سرهنگ شابر با ترجمه عبدالله توکل، دختر چشم طلایی با ترجمه عبدالله توکل و رضا سیدحسینی، آرزوهای بریاد رفته با ترجمه سعید نفیسی، اوژنی گرانده یا عشق و خست با ترجمه عبدالله توکل، بابا گوریو با ترجمه به‌آذین و ترجمه ادوارد ژوزف، خداحافظ با ترجمه فریدون بدره‌ای، پیردختر با ترجمه غلامرضا سمیعی، چرم ساغری با ترجمه به‌آذین، در اوج قدرت، یا شب نشینی فرشتگان با ترجمه عنایت الله شکیباپور، زن سی ساله با ترجمه علی اصغر خیره زاده و ترجمه ادوارد ژوزف، شاهکار گمنام با ترجمه عبدالله توکل، شوآن‌ها با ترجمه علیقلی کاتبی، مجلس اشراف (یا سالن اشیا عتیقه) با ترجمه موسی فرهنگ رازی، گبسک ریاحوار با ترجمه مسروب بالایان، فاجینوکانه، با ترجمه عبدالله توکل و دختر عموبت با ترجمه به‌آذین به چاپ می‌رسند. همچنین داستان «برادرخواندگان» با ترجمه محمود فخرداعی در کتاب ده داستان از بالزاک و دیگران، نیز در این دوره منتشر می‌شود.

برخی از این ترجمه‌ها مانند ترجمه سعید نفیسی از آرزوهای بریاد رفته، ترجمه عبدالله توکل از اوژنی گرانده یا عشق و خست و ترجمه به‌آذین از بابا گوریو در همین دوره تجدید چاپ می‌شوند.

سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷

در سال ۱۳۴۵ عنایت الله شکیباپور اقدام به بازترجمه آرزوهای بریاد رفته کرده و ترجمه خود را تحت عنوان آرزوهای گمشده: مهیج‌ترین داستان عشقی ادبی اجتماعی، منتشر می‌کند. محسن هنریار و رضا عقیلی و پس از ایشان محمد آریان نیز دست به باز ترجمه زن سی ساله می‌زنند. در این دوره چرم ساغری با ترجمه به‌آذین و حسینقلی جواهرچی، داستان‌ترقی و تنزل

سزار بیروتو بازرگان عطر فروش، معاون ناحیه دوشهررداری پاریس... با ترجمه اردشیر نیکپور، دامگستر با ترجمه رضا عقیلی، دخترعموبت با ترجمه به‌آذین، زنبق دره به ترتیب با ترجمه‌های به‌آذین و بهروز بهزاد، کشیش دهکده با ترجمه شاپور رزم آزما، کلبه‌ای در تاریکی، کم‌دی انسانی: شورانگیزترین درام عشقی جهان، دختر ماهیگیر، زن بیگناه با ترجمه عنایت الله شکیباپور به چاپ می‌رسند.

در این دوره نیز برخی از آثار ترجمه شده مانند آرزوهای بریاد رفته با ترجمه سعید نفیسی، اوژنی گراند با ترجمه عبدالله توکل، باباگوریو با ترجمه ادوارد ژوزف، چرم ساغری با ترجمه حسینقلی جواهرچی، زن سی ساله با ترجمه ادوارد ژوزف و ترجمه علی اصغر خبره زاده، سرهنگ شابر با ترجمه عبدالله توکل و کم‌دی انسانی: شورانگیزترین درام عشقی جهان با ترجمه عنایت الله شکیباپور چاپ مجدد می‌شوند.

سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰

در این سال‌ها نیز با پدیده ترجمه مجدد رو به رو هستیم: امیر اسماعیلی، حسن صالحی و شهرام پورانفر به ترتیب اقدام به بازترجمه باباگوریو می‌کنند. محمود پوینده پیردختر، عنایت الله شکیباپور دختر چشم طلایی، محمدجعفر پوینده گوبسک رباخوار و سیروس نویدان دامگستر را تحت عنوان دلشکسته، مجدداً ترجمه و منتشر می‌کنند.

روشن آغا خانی ترجمه ارسولا، محمود نصری و سیروس نویدان ترجمه پسرعمو پونس، محمدمهدی پورکریم ترجمه عشق کیمیاگر (در جست و جوی مطلق) و عنایت الله شکیباپور ترجمه هانریت را به بازار عرضه می‌کنند.

در این دوران همچنین شاهد چاپ مجدد برخی از ترجمه‌ها چون: ترجمه ادوارد ژوزف و ترجمه شهرام پورانفر از باباگوریو، ترجمه غلامرضا سمیعی از پیردختر، ترجمه حسینقلی جواهرچی و ترجمه به‌آذین از چرم ساغری، ترجمه رضا عقیلی از دامگستر، ترجمه عنایت الله شکیباپور از زن بیگناه، ترجمه ادوارد ژوزف و ترجمه علی اصغر خبره زاده از زن سی ساله و ترجمه شاپور رزم آزما از کشیش دهکده هستیم.

در این سال‌ها آثار زیر نیز که بخشی از آن‌ها به آثار بالزاک اختصاص دارد به چاپ

می‌رسند:

ژانیتو (داستان‌های کوتاه) ((تماشاخانه شیطان)، (یک نمایش جاودانی)، (ژانیتو)، (فاچینو کانه))، مترجم: اسماعیل تفریشی، تبریز: تلاش، ۱۳۶۳
 «اوژنی گراند»، داستان‌های به یاد ماندنی (شش داستان)، مترجم: محمود بهفروزی، راه نو، ۱۳۶۲

سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰

در این دوران اکثر قریب به اتفاق آثار منتشر شده از وی، چاپ مجدد آثار ترجمه شده هستند:

ترجمه سیروس نویدان از *آروزهای بر باد رفته*، ترجمه روشن آغاخانی از *ارسولا*، ترجمه عبدالله توکل از *اوژنی گراند*، ترجمه ادوارد ژورف از *باباگوریو*، ترجمه به‌آذین از *چرم ساغری*، ترجمه عنایت الله شکیباپور از *دختر چشم طلایی*، ترجمه امیر اسماعیلی از *زنبق دره*، ترجمه علی اصغر خبره زاده از *زن سی ساله*، ترجمه عبدالله توکل از *سرهنگ شابر*، ترجمه محمدجعفر پوینده از *گوبسک ریخوار* از این دست ترجمه‌ها هستند.

در این سال‌ها همچنین، آتوسا یزدانی به بازترجمه *اوژنی گراند*، مصطفی مفیدی، شهرام زرندار به بازترجمه *شوان‌ها* اقدام می‌کنند. پرویز شهدی نیز *فراز و نشیب زندگی بدکاران* را ترجمه می‌کند.

فاجعه در کرانه دریا (۵ داستان کوتاه) (آل ور دوگو)، (فاجعه در کناره دریا)، (رویدادی ضمنی در حکومت ترور)، (خداحافظ) و (سرباز وظیفه)) نیز با ترجمه لیلی ستارزاده و سیاوش سرتیپی در این دوران به چاپ می‌رسد.

سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸

ترجمه مجدد آثار: ترجمه *آروزهای بر باد رفته* از محمدجعفر پوینده، ترجمه محسن سلیمانی، حسن زمانی، وحید منوچهری واحد، شادی ابطحی، عزت بصیری از *اوژنی گراند*، ترجمه شایلی ذوالفقاری، امیرعباس حسینی آذر، مهدی سبحانی، علی اکبر داوودی پور، حمید صابر و فریمه آقایی از *باباگوریو (طبیعت صحرا)* با ترجمه حسین رحمت نژاد که خلاصه‌ای از کتاب *باباگوریو* است)، ترجمه فائزه رنجبران از *خداحافظ* تحت عنوان *بدرود*، ترجمه شادی

ابطحی از پسرعمو پن، ترجمه سکینه نصرتی، مرجان صادقی از زنبق دره، ترجمه فهیمه یاسین، کوروش نوروزی، عزت بصیری از زن سی ساله، ترجمه مهشید نونهالی، کوروش انگالی از شاهکار گمنام و سارازین و فاجینوکانه از سپهر یحیوی.

چاپ مجدد ترجمه‌ها: ترجمه آرزوهای بر باد رفته از سعید نفیسی، ترجمه ارسولا از روشن آغاخانی، ترجمه اوژنی گرانده از عبدالله توکل، ترجمه باباگوریو از ادوارد ژوزف، ترجمه پیردختر از محمود پوینده، ترجمه چرم ساگری، زنبق دره و باباگوریو از به‌آذین، ترجمه دختر چشم طلایی از عبدالله توکل و رضا سیدحسینی، ترجمه دخترعمو بت، ترجمه زن سی ساله از خبره زاده، آریان، هنریار و جوارچی، ترجمه سزار بیروتو از اردشیر نیکپور و ترجمه سرهنگ شابر از عبدالله توکل.

آثار زیر برای نخستین بار در این دوران ترجمه و چاپ شدند: پاملاتژیرو با ترجمه صادق سرابی، پزشک دهکده، خاطرات دو عروس جوان، مادام دولاشانتی و دهقانان با ترجمه هژبر سنجرخانی، خالی بند: کمدی در پنج پرده و به نثر با ترجمه پرویز احمدی نژاد، شرافت سیسیلی با ترجمه یوسف قنبر، فلسفه زندگی زناشویی با ترجمه بنفشه فریس آبادی، مسافرخانه سرخ با ترجمه محمد نجابتی، رازهای پرنسس دوکادی نیان: صحنه‌هایی از زندگی پاریسی با ترجمه مریم خراسانی.

همچنین برخی از این آثار از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده شده‌اند: ترجمه فرهاد اسکندری از اوژنی گرانده، ترجمه ساحره بلوچی از دختر چشم طلایی تحت عنوان دختر زرین چشم و ترجمه الهام افسری از همان کتاب با عنوان دختری با چشمان طلایی، ترجمه شهریار مرادی از زنبق دره و ترجمه مهدی سجودی از همان کتاب تحت عنوان زنبق دشت، ترجمه سیده ژاله موسوی نصر از زن سی ساله، ترجمه هانیه رجبی از عشای ربانی ملحدان.

۳.۳. آثار نوشته‌شده در مورد بالزاک

از سال‌های ابتدایی معرفی بالزاک به ایرانیان، به موازات ترجمه آثارش، آثاری نیز در مورد او و داستان‌هایش به چاپ می‌رسد؛ که برخی از آن‌ها ترجمه کتاب‌های نگاشته شده در مورد

این نویسنده هستند و برخی آثار تألیفی است که نویسندگان و منتقدان ایرانی در مورد وی به رشته تحریر درآورده‌اند؛ از جمله این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پرهام، سیروس، *بالزاک، رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات*، تهران: نیل، ۱۳۳۴
- موام، سامرست، «اونوره دو بالزاک و بابا گوریو»، مترجم: کاوه دهگان، *درباره رمان و داستان کوتاه*، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۶
- شهباز، حسن، *پژوهشی در داستان‌های کمدی انسانی*، تهران: نشر علمی، ۱۳۶۴
- زوایک، اشتفان، *سه استاد سخن (بالزاک، داستایفسکی، دیکنز)*، مترجم: فرهاد دادستان، تهران: کانون معرفت، فاقد سال نشر
- تسوایگ، اشتفان، *سه استاد سخن (بالزاک، دیکنز، داستایفسکی)*، مترجم: محمدعلی کریمی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳
- شهباز، حسن، *معرفی بابا گوریو اثر اونوره دوبالزاک*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸

اما علاوه بر کتاب‌های یاد شده، می‌توان به توجه جامعه دانشگاهی در آخرین دوره زمانی یاد شده، یعنی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ نیز اشاره کرد. مقالات و پایان‌نامه‌های نگاشته شده در این برهه زمانی موبد این ادعا هستند. قابل ذکر است که اکثر مقالات یاد شده، مقالات تطبیقی بوده و نویسندگان در صدد یافتن شباهت‌های فنون داستان‌نویسی بالزاک و نویسندگان ایرانی، شباهت‌های موجود بین آثار بالزاک و نویسندگان ایرانی و در برخی موارد بررسی مضمونی یا مقایسه تحلیلی آثار بالزاک بوده‌اند.

موضوعات پایان‌نامه‌های نگاشته شده در مورد این نویسنده متنوع است اما این موضوعات را نیز می‌توان در چندگروه دسته بندی نمود:

- الف. بررسی آثار بالزاک از دیدگاه‌های مختلف (آثاری چون *باباگوریو*، *اوژنی گراند*، *زن سی ساله*، *چرم ساغری*، *لوئی لامبر*)
- ب. بررسی مضامین مختلف در آثار بالزاک (مضامینی چون پول، جاه طلبی، مکان، زمان، تنهایی و...)

پ. بررسی تطبیقی آثار بالزاک با آثار دیگر نویسندگان: نویسندگان ایرانی، دیگر نویسندگان بیگانه (نویسندگانی چون: زولا، مولیر، اشمیت، موپسان، استاندال، روسو، شارل نودیه، ژرار دو نروال، علی بدر، دولت‌آبادی، صنعتی زاده)

ت. تصویرشناسی در آثار بالزاک (برای مثال تصویر زن، تصویر پاریس)
افزون بر مقالات علمی یاد شده، مقالاتی نیز در مجلات گوناگون منتشر شده‌اند؛ چاپ این مقالات که از نظر تاریخی نسبت به مقالات علمی جلوتر هستند، حاکی از توجه جامعه ادبی ایران به این نویسنده و ترجمه آثار اوست. از معتبرترین مجلات می‌توان به *ادبستان*، *کلک*، *ادبیات داستانی*، *خاوران*، *آدینه*، *بخارا*، *کیهان فرهنگی*، *اکسیر نوین* و *نمایش* اشاره کرد.

۳. ۴. بررسی پذیرش بالزاک در ایران

۳. ۴. ۱. مترجمان

همان‌طور که مشاهده کردیم، از نخستین سال‌های رونق ترجمه ادبی در ایران، آثار بالزاک مورد توجه مترجمان قرار گرفتند؛ برای مثال عبدالله توکل که اولین مترجم بالزاک در ایران و به نوعی معرف او می‌باشد با ترجمه پنج اثر (دختر چشم طلایی، سرهنگ شابر، اوژنی گراند، شاهکار گمنام، فاجینوکانه)، عنایت‌الله شکیباپور با ترجمه نه اثر (*آتش پاره*، *آرزوهای گمشده*، *دختر چشم طلایی*، *دختر ماهیگیر*، *در اوج قدرت* یا *شب نشینی فرشتگان*، *زن بی گناه*، *کلبه‌ای در تاریکی*، *کمدی انسانی*: *شورانگیزترین درام عشقی جهان و هانریت*)، محمود اعتمادزاده (به‌آذین) با چهار ترجمه (*باباگوریو*، *چرم ساغری*، *دخترعموبت و زنبق دره*) ادوارد ژوزف با دو ترجمه (*باباگوریو و زن سی ساله*) نقش به‌سزایی در شناساندن این نویسنده به ایرانیان ایفا کردند. مترجمان شناخته شده‌ای مانند پرویز شهدی، خیره زاده نیز هرکدام صاحب یک ترجمه از آثار بالزاک هستند. در سال‌های اخیر نیز شادی ابطحی و مهدی سبحانی که از مترجمان چیره دست زبان فرانسه هستند، دست به ترجمه آثار وی زده‌اند.

مترجمان نقش اساسی و اصلی در شناساندن یک شاعر، نویسنده و یک اثر خارجی در فرهنگ و جامعه‌ای بیگانه دارند و حتی یکی از دلایلی که باعث شهرت یک اثر یا نویسنده خارجی در فرهنگی دیگر می‌شود، توجه مترجمان برجسته و صاحب‌نام به آثار آن نویسنده

است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۱۹) بنابراین هرچه شهرت و آوازه ادبی یک مترجم بیشتر باشد، اثری که ترجمه می‌کند به واسطه جایگاه آن مترجم مخاطب بیشتری می‌یابد. به عنوان مثال ترجمه سعید نفیسی از *آرزوهای بر باد رفته* که در سال ۱۳۳۸ جایزه سلطنتی را برایش به همراه داشت، از جمله ترجمه‌های موفق صورت گرفته از آثار بالزاک است. البته لازم به ذکر است که عکس این مطلب نیز صادق بوده و گاهی نام نویسنده و شهرت او یا عنوان کتاب به یاری مترجم آمده و در شناساندن او و ترجمه نقشی پررنگ دارند. برای مثال «اولین ترجمه‌های مستقل عبدالله توکل، اگرچه به خاطر شتاب زدگی و کم تجربگی و احاطه نداشتن کامل به زبان فرانسه چندان دقیق نبود، به دلیل عنوان‌های خوبی که از نویسندگان مطرح انتخاب کرد با اقبال زیادی رو به رو شد؛ ترجمه‌هایی نظیر: [...] سرهنگ شایر، اوژنی گراندیه و شاهکار گمنام. «(کمالی، ۱۳۹۲، ص ۴۵۰) همچنین در میان آمار ارائه شده، مشاهده شد که برخی از مترجمیان زبان انگلیسی نیز به ترجمه آثار بالزاک پرداخته‌اند. این امر (ترجمه از زبان واسطه) نیز نشان می‌دهد که استقبال از آثار بالزاک حتی مترجمیان زبان انگلیسی را نیز به ترجمه این آثار ترغیب کرده است.

۳. ۴. ۲. ترجمه و چاپ مجدد آثار

در میان آثار ترجمه شده از بالزاک، آثار بسیاری را می‌توان یافت که بارها و بارها ترجمه مجدد شده و به چاپ رسیده‌اند. اما پدیده ترجمه مجدد با چه استدلالی قابل توجیه است؟ یا به عبارتی دیگر، دلایل ترجمه مجدد از اثری ادبی کدام‌اند؟ آیا این پدیده نیز عاملی برای مقبولیت اثر به شمار می‌آید؟

محمدحسین جواری در مقاله «چندین ترجمه از یک متن ادبی؛ چرا؟» عنوان می‌کند که در اغلب موارد مشاهده کرده است که برای یک اثر ادبی غربی و به خصوص رمان، چندین و چند ترجمه در زبان فارسی موجود است و به عنوان مثال بیگانه آلبر کامو، بابا گورریو بالزاک، کلمات سارتر، مادام بواری فلویبر و... را ذکر می‌کند. وی سپس اذعان می‌دارد که پدیده ترجمه مجدد به فرهنگ ما محدود نیست و در سایر فرهنگ‌ها نیز رؤیت می‌شود (جواری، ۲۰۱۱: ۲). از

اساسی‌ترین فاکتورهایی که می‌توان برای ترجمه مجدد عنوان کرد، در دسترس نبودن ترجمه‌های پیشین، قدیمی شدن زبان ترجمه‌های گذشته، انگیزه رقابت با دیگر ترجمه‌ها، ترجمه به قصد امرامعاش، علاقه مترجمان به یک نویسنده و آوازه و اعتبار یک اثر برای ترجمه مجدد هستند.

اما همچنین دیدیم که از میان ترجمه‌های صورت گرفته از هر اثر، برخی از آن‌ها به خوبی مورد استقبال خوانندگان قرار گرفته و برای سال‌های متمادی تجدید چاپ شده‌اند: ترجمه سعید نفیسی از *آرزوهای بریاد رفته*، ترجمه عبدالله توکل از *اثرنی گرانه*، ترجمه ادوارد ژوزف و ترجمه به‌آذین از *باباگوریو*، ترجمه عبدالله توکل و رضا سیدحسینی از *دختر چشم طلایی*، ترجمه زنبق دره از به‌آذین، ترجمه خبره زاده و ترجمه ادوارد ژوزف از *زن سی ساله* از جمله ترجمه‌هایی هستند که از سال‌های دور تا سال‌های اخیر بارها و بارها توسط انتشارات مختلف بازنشر شده‌اند. آیا این بازنشر را می‌توان برهانی بر توانایی مترجم در امر ترجمه دانست؟ در این خصوص، اشاره به این نکته لازم می‌نماید که استقبال و پذیرش جامعه از یک ترجمه را نمی‌توان معیاری برای «خوب بودن» آن ترجمه در نظر گرفت؛ خصوصاً در دورانی که معیار مشخصی برای ارزیابی مترجمان و ترجمه‌های صورت گرفته از آثار وجود نداشته و افراد بسیاری به صرف آشنایی با زبان فرانسوی دست به ترجمه آثار فرانسوی زبان می‌زدند. در آن دوران که مطالعه رمان بیشتر از هرچیز به قصد لذت و سرگرمی انجام می‌پذیرفت، سهل و روان بودن ترجمه و انطباق متن ترجمه شده با زبان فارسی را می‌توان از فاکتورهای مهم در پذیرش ترجمه قلمداد کرد. این خود دلیلی است که فراموشی و در دسترس نبودن برخی از ترجمه‌های صورت گرفته را توجیه می‌نماید. بنابراین به طور کلی، تنها کیفیت ترجمه را نمی‌توان معیاری برای پذیرش یا عدم پذیرش ترجمه آثار در نظر گرفت.

حجم بالای ترجمه‌های صورت گرفته از آثار (ترجمه بیش از چهل اثر) و همچنین پدیده ترجمه مجدد از این آثار نشان دهنده پذیرش عالی آثار بالزاک در ایران است. از طرفی دیگر چاپ مجدد آثار ترجمه شده نیز نشان دهنده این امر است که این پذیرش از گذشته‌های دور تا کنون ادامه داشته؛ بدیهی است که هرچه پدیده ترجمه مجدد یک اثر و بازنشر ترجمه‌ای بیشتر صورت بگیرد، اثر یا ترجمه دارای پذیرش و مقبولیت بیشتری در جامعه است.

۳. ۴. ۳. بررسی دلایل پذیرش بالزاک در ایران

عنوان شد که در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، بالزاک پرخواننده‌ترین نویسنده، و در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ یکی از پرخواننده‌ترین نویسندگان در ایران بوده است؛ دلایل این مقبولیت چشمگیر را در چه امری می‌توان جست و جو کرد؟ آیا می‌توان ادعا کرد که پذیرش بالزاک در ایران در سال‌های ابتدایی معرفی وی به ایرانیان، صرفاً به دلیل جذابیت‌های داستانی رمان‌های وی بوده است؟

برای بررسی دلایل این پذیرش، نیازمند تشکیل مجدد افق انتظار خوانندگان ایرانی آن روزگار هستیم؛ این امر نیز نیازمند آن است که تا حد امکان شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن دوران را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم:

بالزاک یکی از برجسته‌ترین نویسندگان فرانسوی مکتب رئالیسم است، مکتبی ادبی - هنری که در اواسط قرن نوزدهم میلادی، یعنی در فاصله سال‌های ۱۸۵۰-۱۸۸۰ در اروپا و آمریکا رواج یافت. این مکتب عکس‌العملی بود در مقابل مکتب رمانتیسم. رمانتیسم، مکتبی درون‌گرا و ذهنی بود که برای فرار از واقعیت اکنون، به دنیای گذشته پناه می‌برد که البته این دنیای ساختگی غالباً مبنای واقعی نداشت؛ اما رئالیسم، مکتبی عینی و بیرونی بود که بر بیان واقعیت‌های جامعه تأکید بسیار داشت و معتقد بود که آثار متکلفانه و دیرفهم مکتب‌های رمانتیسم و کلاسیسیم راه به‌جایی نمی‌برد و برای نشان دادن تصویر درستی از جامعه باید زبانی بی‌پیرایه و ساده را برگزید (سیدحسینی، ۱۳۷۵: ۱۵۵). بالزاک، به‌عنوان نویسنده‌ای رئالیست، آثار خود را چونان آینه‌ای می‌بیند که می‌باید واقعیات جامعه را در خود منعکس کند، جامعه‌ای که انتقادهای بسیاری بر آن وارد است. «او خطاب به نویسندگان رمانتیک می‌گوید: (رمان‌های بورژوازی من از تراژدی‌های شما غم‌انگیزتر است!)» (تسوايگ، ۱۳۸۳: ۲۴). در حقیقت غم‌انگیز بودن رمان‌های او، به دلیل غم‌انگیز بودن جامعه فرانسوی، فئودالیسم و بورژوازی موجود در جامعه است. «رئالیست بزرگی چون بالزاک، اگر جریان رشد حقیقی هنرمندانه موقعیت‌ها و قهرمانانی که آفریده است با گرامی‌ترین غرض‌هایش تضاد پیدا کند یا اگر حتی با اعتقادات بسیار مقدسش برخوردی داشته باشد، بی‌هیچ گونه تاملی این گونه غرض‌ها و اعتقادات را کنار گذاشته و آنچه را واقعاً می‌بیند، و نه آنچه را ترجیح می‌دهد ببیند، وصف می‌کند. این بی

شفقتی نسبت به تصویر ذهنی دنیای خویش عیار و سنجه رئالیست‌های بزرگ است.» (لوکاچ، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۴) همچنین لازم به ذکر است که از میان رمان‌نویسان هم دوره بالزاک، تنها اوست که نسبت به جریانات علمی عصر بی تفاوت نبوده است و تعدادی از رمان‌های وی، به واسطه توجه این نویسنده به علوم فیزیک، شیمی و تاریخ ارزشی استنادی پیدا کرده‌اند (سرژان، ۱۹۵۰: ۵۱).

جدیت و تلاش او برای تصویر فرانسه و به هدف آگاه‌سازی و انتقاد از وضعیت موجود به زودی او را به شهرتی جهانی رسانید. شهرت فراگیر او در جهان، سبب شد تا با وجود گذشت یک سده از مرگش (در سال ۱۳۲۷)، آثارش به زبان فارسی نیز ترجمه شوند.

اما در ایران، پس از تلاش‌های مؤثر عباس میرزا و پس از او، امیرکبیر در جهت آشناسازی مردم ایران با اروپا و تلاش‌های بی وقفه روشن‌فکران ایرانی به قصد آگاه کردن مردم، شاهد ایجاد مفهوم جدید «مدرنیته» هستیم.

ادبیات فرانسه به صورت ویژه نقشی اساسی در آشنایی نویسندگان و روشن‌فکران ایرانی با انواع جدید ادبی ایفا کرده است. سال‌های پس از مشروطه تا مقطع ۱۳۰۰ شمسی سال‌های شکوفایی مطبوعات ادبی و تشکیل انجمن‌های ادبی است. مجلاتی همچون مجله سخن، آثاری در نقد ادبیات کلاسیک و ترجمه آثار اروپایی چاپ می‌کنند و در رشد جریان‌های فکری و ادبی تأثیر می‌گذارند (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۷۵). پس از احساس نیاز به ترجمه ادبیات خارجی و ترجمه چندین اثر از زبان‌های غربی و به خصوص فرانسوی، داستان‌نویسی در ایران دچار تغییرات زیادی شد که از جمله آن‌ها می‌توان به گسترش مضمون و رشد صناعت داستان‌نویسی اشاره کرد. همچنین آثار تحصیل‌کردگان خارج پس از بازگشت به ایران با توجه به اینکه با ادبیات غرب به طور مستقیم آشنا شده بودند و نه از طریق ترجمه، مراتب تحوّل چشمگیری را در زمینه داستان‌نویسی به وجود آورد. پس از استعفای رضاشاه در سال ۱۳۲۰ اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ایران متحوّل شد. اوضاع اجتماعی نابسامان کشور دورنمایی تیره‌وتار و فضایی سرشار از ناامیدی و یأس برای مردم فراهم کرده بود. در این عصر، نویسندگان ایرانی بیش از پیش کوشیدند تا با تصویرسازی جامعه در آثار خود به انتقاد از وضع موجود پرداخته

و بی شک یکی از عوامل یاری دهنده آنها آشنایی با رئالیسم ادبی از طریق بزرگ‌ترین نویسندگان رئالیست، چون بالزاک بوده است. بنابراین می‌توان اینطور نتیجه گرفت که نیاز جامعه به آگاهی یافتن از شرایط اجتماعی دوران و تلاش‌های انجام شده توسط روشنفکران و نویسندگان در این زمینه نیز عاملی برای مقبولیت این نویسنده بوده است؛ چرا که اونوره دوبالزاک، پیشوای مکتب رئالیسم، نیز داستان‌های خود را بر پایه درد و رنج مردم کشورش در طی سال‌ها و مشکلات اجتماعی بنا می‌کرد. در دورانی که تاریکی و ناامیدی بر مردم ایران چیره شده بود، ترجمه آثار واقع‌گرایانه بالزاک و به تبع آن تأثیرپذیری نویسندگان از او و آثارش برای به تصویرکشیدن واقعیت‌های جامعه ایرانی، دستاویزی بود که در آگاهی بخشیدن به مردم به یاری نویسندگان و روشنفکران شتافت. و بدین ترتیب درس حقیقت‌بینی و حقیقت‌جویی ابتدا از طریق ترجمه آثار واقع‌گرایانه نویسندگانی چون بالزاک و سپس به واسطه آثار ایرانی متأثر از این نویسندگان به مردم ایران آموخته شد. تعهد اجتماعی بالزاک برای بازنمایی حقیقت را می‌توان در آثار او بازشناخت؛ برای مثال در داستان *اوژنی گراند*، موسیو گراند^۱ شخصیتی است بسیار پول پرست و خسیس که با سوءاستفاده از شرایط نابسامان فرانسه در دوران پس از انقلاب، به ثروتی هنگفت دست می‌یابد. موسیو گراند نمونه بارزی از فرصت‌طلبانی است که با سوءاستفاده از موقعیت، درصد کسب ثروت یا مقام بودند. تأثیر آثار بالزاک در ایران به قدری عمیق بود که علاوه بر ترجمه تعداد زیادی از داستان‌هایش، شماری از نویسندگان ایرانی که ایشان نیز در خود نوعی تعهد اجتماعی احساس می‌کردند، به تصویرسازی جامعه ایرانی پرداختند. برای مثال، آثار محمدعلی جمال‌زاده که او را پیشگام سبک واقع‌گرایی در ادبیات فارسی می‌دانند، سرشار از انتقادات اجتماعی است. «او همواره نسبت به زندگی مردم و محرومیت‌های آنان حساس بود و سعی داشت تا با شیوایی کلام مضامین مورد نظرش را در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی کشورش شرح دهد. در واقع این نویسنده رئالیست و منتقد اجتماعی قصد داشت با خلق آثار خود، صحنه‌های واقعی از شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی را به تصویر کشد تا با مطرح کردن این مشکلات، مردم جامعه خویش را به تفکر درباره رفع این نواقص ترغیب کند» (حیاتی آشتیانی و طالبی، ۱۳۹۱: ۶۸).

برای مثال جمال زاده در *دارالمجانین* که با *اوژنی گراند* بالزاک مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است، شخصیتی پول پرست می‌آفریند که حاضر است به خاطر پول دخترش را به ازدواج فردی ناشایست در آورد. حاجی عمو نیز مانند موسیو گراند نمونه‌ای از افرادی است که پس از انقلاب مشروطه با فرصت طلبی به مقام و موقعیت و ثروت دست یافتند. این داستان فضای اجتماعی پس از مشروطه و مسائل و مشکلات این دوران را توصیف می‌کند. جمال زاده همچون سایر نویسندگان رئالیست در پی این بود که مسائل اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و مشکلاتی مانند فقر و سرمایه داری را در آثارش بگنجانند. یکی دیگر از مسائلی که پس از انقلاب مشروطه توجه بسیاری از روشنفکران را به خود جلب نمود، «زن» و مسائل مربوط به زنان بود. پس از انقلاب مشروطه و مطرح شدن زن در ادبیات، بسیاری از منتقدان و روشنفکران خواهان حذف نابرابری‌های بین زن و مرد و حضور زنان در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی شدند. در اروپا نیز با ظهور مکتب واقع گرایی در قرن نوزدهم، جمعی از ادیب مردان بر آن شدند تا به زن و بیان دغدغه‌های او بپردازند. مضمون زن یکی دیگر از مضامینی است که بالزاک نیز به‌عنوان پیشگام مکتب واقع گرایی بدان پرداخته است. بنابراین یکی از ملزومات واقع گرایی، چه در فرانسه و چه در ایران، پرداختن به جایگاه واقعی زنان در جامعه و مشکلاتی بود که با آن‌ها دست به گریبان بودند. تعدادی از آثار بالزاک عنوان و حتی موضوعی کاملاً زنانه دارند: *زن سی ساله*، *دختر عمو بت*، *پیردختر*، *دختر چشم طلایی*، *زن بی گناه*، *خاطرات دو عروس جوان*، *رازهای پرنسس دوکادینیان*، *مادام دولاشانتیری* و... به‌عنوان مثل خانم هانریت دومورسوف^۱، در رمان *زنبق دره بالزاک* زنی است تحت ظلم و ستم همسر که نه تنها برای رهایی از این ظلم و محدود کردن همسرش تلاشی نمی‌کند، بلکه تحمل تحقیر و ستم همسر را بر خود تکلیف می‌داند و خود را تماماً وقف نقش مادری می‌کند. خانم اولو^۲ نیز در رمان *دختر عمو بت*، زنی است پاکدامن و سرشار از عشق و علاقه به همسری که دائماً در حال خیانت به اوست. اما این پاکدامنی را تنها خصلتی زنانه می‌داند و هر بار پذیرای همسری است که از معشوقه‌هایش رانده می‌شود. در رمان *آرزوهای بر باد رفته* نیز بالزاک به زنان و مسئله تعلیم و

1. Henriette de Morsauf

2. La baronne Hulot

آموزش آن‌ها توجه نشان داده و در این باره دارای عقایدی است که در طی رمان به شرح و بسط این عقاید می‌پردازد. چنین مضمونی برای جامعه‌ای که پس از انقلاب مشروطه در حال پی ریزی تفکری نوین دربارهٔ زنان و به طور دقیق‌تر «زنان در جامعه» بود، یکی دیگر از عواملی است که مترجمان را به ترجمه و خوانندگان را به خواندن آثار وی ترغیب می‌کرد. در جامعهٔ کنونی نیز که شاهد روند افزایش چشمگیر محصلان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف دانشگاهی و به‌ویژه رشتهٔ زبان فرانسه هستیم، همچنان این پذیرش حفظ شده است. روند رو به رشد جامعهٔ خوانندگان، افزایش دانشجویان و به تبع آن افزایش کمی پژوهش‌های صورت گرفته در مورد بالزاک و آثارش، همه نشان دهندهٔ این امر هستند که پس از گذشت حدود ۷۰ سال از ترجمهٔ نخستین اثر بالزاک، این آثار همچنان مورد توجه خوانندگان و پژوهشگران قرار دارند.

گفتیم که نخستین آثار ترجمه شده از بالزاک در ایران، دو اثر دختر چشم طلایی و سرهنگ شابر است که در سال ۱۳۲۷ ترجمه شده و به چاپ رسیده‌اند. اما دلیل انتخاب این دو اثر توسط مترجم چه بوده است؟ چرا علی‌رغم اینکه ترجمه رمان در فاصله سال‌های ۱۲۳۷ تا ۱۲۶۲ هجری شمسی رونق گرفته است، شاهد ترجمهٔ اثری از بالزاک نیستیم؟

این فاصله زمانی با دوره قاجار و حکومت ناصرالدین شاه مصادف است. یکی از ویژگی‌های مشهود دوره ناصری، عمر حکومت شاه بود؛ حکومتی که نیم قرن به طول انجامید و طی آن جنگ مهمی اتفاق نیفتاد. در این دوره طولانی توام با آرامش نسبی، ایجاد سرگرمی برای پادشاه و اطرافیان وی اهمیتی بسیار یافت. یکی از راه‌های پاسخ گفتن به این نیاز، روی آوردن به نوعی ادبیات سرگرم‌کننده و ترجیحاً آمیخته به ماجراهای عشقی و تاریخی بود. لذا ترجمهٔ این قبیل آثار با اقبال رو به رو شد و در فاصلهٔ سال‌های ۱۲۳۷ تا ۱۲۶۲ هجری شمسی حدود ۶۰ رمان نه چندان با ارزش و گاه مبتذل به فارسی برگردانده شد (کمالی، ۱۳۹۲: ۲۷). با وجود شهرت بسیار بالزاک و چند تن دیگر از نویسندگان رئالیست، هیچ اثری از آن‌ها در این دوره ترجمه نشد؛ چرا که همان‌طور که عنوان شد، در این دوره انتخاب اثر برای ترجمه به هیچ عنوان تابع معیار خاصی نبوده و شواهد نشان دهندهٔ آن است که اغلب آثار ترجمه شده در این فاصلهٔ زمانی، آثاری فاقد ارزش ادبی بوده که به دستور دربار ترجمه می‌شده‌اند.

در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، ترجمهٔ رمان رشد چشمگیری داشته و حدود یک صد ترجمهٔ رمان را می‌توان شاهد بود، همچنین در این دوران است که پدیده ترجمهٔ مجدد رونق پیدا می‌کند.

استعفای رضاشاه در سال ۱۳۲۰ نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین فرهنگی و ادبی ایران را متزلزل کرد. در این دوران آخر حجم ترجمه‌ها (تنها در زمینهٔ زبان فرانسوی) به سه برابر افزایش می‌یابد و بر تعداد زبان‌های مبدأ و همچنین بر تعداد مترجمان (و درعین حال خوانندگانی که قادرند متون را به زبان اصلی بخوانند) افزوده می‌شود. (همان: ۶۷-۶۸) در این دوران که به نوعی دورهٔ شکوفایی ترجمهٔ رمان و به خصوص آثار فرانسوی محسوب می‌شود، برای نخستین بار شاهد ترجمهٔ اثری از بالزاک هستیم. بنابراین آشنایی با بالزاک و آثار وی (همچون بسیاری نویسندگان دیگر) نیازمند شکوفایی ژانر رمان، رشد و پیشرفت مترجمان و آمادگی خوانندگان بوده است.

حال سؤال این است که آیا انتخاب دو اثر دختر چشم طلایی و سرهنگ شابر از میان دیگر آثار برای ترجمه دلیل خاصی داشته است؟

دختر چشم طلایی کتابی است در حدود ۱۰۰ صفحه که رمانی نسبتاً کم حجم به حساب می‌آید؛ موضوعات عمده این داستان را عشق، مرگ، زندگی و زن تشکیل می‌دهند که با سلیقه عمومی جامعه ایرانی در آن زمان همراهی و هماهنگی داشته و موضوعاتی عینی و ملموس در زندگی تمامی افراد است؛ همچنین نویسنده در این داستان، به توصیف پاریس می‌پردازد و این شهر را تصویر سازی می‌کند. مطالعهٔ تصویر «فرنگ» می‌تواند برای مردم ایران که تا آن زمان شناخت چندانی از اروپا نداشتند، جذب کننده باشد. شخصیت اصلی این داستان، هانری دو مارسه، فردی است که با فرهنگ و ادبیات مشرق زمین آشنایی کامل دارد؛ این موضوع نیز می‌تواند از دیگر دلایل انتخاب این اثر بالزاک برای ترجمه باشد.

سرهنگ شابر هم کتابی است که ترجمهٔ آن در سال ۱۳۲۷ شامل حدود ۱۰۰ صفحه بوده و این اثر نیز کتابی کم حجم است. داستان سرهنگ شابر، نمونه‌ای از شیوه توصیف دقیق بالزاک از زندگی روزمره به حساب می‌آید. در صفحات آغازین سرهنگ شابر، قهرمان داستان به طور غیرمستقیم از زبان منشی‌ها و پادوهای یک دارالوکاله به خواننده معرفی می‌شود. از طریق گفتار

و محیط اجتماعی این شخصیت‌های فرعی است که خواننده بلافاصله وارد مرکز داستان می‌شود و به موضوع اصلی آن می‌رسد. این شیوه ماهرانه توصیف شابر، واقعیتی را در داستان خلق می‌کند که همچون واقعیتی در زندگی خود ما باورکردنی و قابل اعتماد است (افرون، ۱۳۷۲: ۴۰-۴۱). بنابراین انتخاب این دو اثر توسط عبدالله توکل، به‌عنوان نخستین مترجم آثار بالزاک در ایران، تصادفی نبوده و یقیناً دارای دلیل بوده است.

۴. نتیجه‌گیری

بررسی آمار و ارقام به‌دست‌آمده از آثار ترجمه‌شده بالزاک در ایران نشان می‌دهد که بیش از ۴۰ اثر از این نویسنده از سال ۱۳۲۷ تا کنون توسط مترجمیان و مراکز نشر مختلف ترجمه شده و به چاپ رسیده است. توجه ویژه مترجمان به آثار این نویسنده به‌خوبی بیانگر استقبال گسترده مردم از آن‌هاست، به‌گونه‌ای که بسیاری از آثار بارها توسط مترجمان متعدد بازترجمه شده و برخی از مراکز نشر بسیاری از ترجمه‌ها را بازنشر کرده‌اند. حضور مداوم نام بالزاک در دسته پرخواننده‌ترین نویسندگان، مؤید پذیرشی است که آن را وام‌دار مترجمان است. بررسی افق انتظار خوانندگان ایرانی نیز در آن برهه زمانی نشان دهنده فراهم بودن زمینه پذیرش آثار بالزاک است. تطابق افق انتظار آثار بالزاک و افق انتظار خوانندگان ایرانی سبب شد تا این آثار به‌خوبی در بین خوانندگان و حتی نویسندگان و روشنفکران ایرانی پذیرفته شود. مضامین موجود در داستان‌های بالزاک که داغ‌ترین موضوعات مورد بحث در جامعه ایرانی بود، روند پذیرش را تسریع بخشید و نام بالزاک را در دسته پرفردارترین نویسندگان قرار داد. در سال‌های اخیر نیز با افزایش چشمگیر قشر تحصیل کرده، شاهد توجه جامعه دانشگاهی به این نویسنده و آثار او هستیم. مشاهده تعداد نسبتاً زیاد پژوهش‌های دانشگاهی انجام گرفته در مورد بالزاک به این معناست که مطالعه این نویسنده همچنان ادامه داشته است. تلاش در جهت روشن ساختن نقاط مبهم آثار و زندگی وی، به شناخت هرچه بهتر او و آثارش و البته شناخت ادبیات و نویسندگان ملی کمک خواهد نمود.

کتابنامه

- بوباتکور، س. (۱۳۹۱). بالزاک میان نوشتار و ثروت: تجربه زندگی. *مطالعات زبان فرانسه*، ۳(۶)، ۲۹-۳۶.
- پروینی، خ. و شکری، م. (۱۳۹۲). نظریه پذیرش در نقد ادبی و ادبیات تطبیقی. *ادبیات تطبیقی* (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، ۸(۸)، ۲۱-۳۹.
- تسویگ، ا. (۱۳۸۳). *سه استاد سخن (بالزاک، دیکنز، داستایفسکی)*. ترجمه محمدعلی کریمی. تهران: نی.
- جواری، م. (۱۳۷۹). از یائوس تا پدیده دریافت در ادبیات تطبیقی. *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، ۸(۸)، ۴۰-۴۷.
- حسن زاده میرعلی، ع. (۱۳۸۴). مقایسه تحلیلی رمان‌های ناتورالیستی *نانا* و رئالیستی *باباگوریو*، زبان و ادبیات فارسی، ۴(۴)، ۹۹-۱۲۱.
- حیاتی آشتیانی، ک. و طالبی، س. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی دیدگاه‌های بالزاک و جمال زاده در دو اثر *اوژنی گراند و دارالمجانین*. *مطالعات ادبیات تطبیقی*، ۶(۲۴)، ۶۳-۸۹.
- رنجبر، ا. (۱۳۸۷). مقایسه زنبق دره بالزاک با *دانش آکل* هدایت. *زبان و ادبیات فارسی*، ۵۱(۲۰۷)، ۴۹-۷۴.
- سلیمی کوچی، ا. و اعلائی، م. (۱۳۹۲). بازگشت شخصیت‌ها در آثار مصطفی مستور: نوپرداز فن داستان‌نویسی بالزاک. *مطالعات زبان و ادبیات فرانسه*، ۴(۱)، ۶۷-۷۹.
- سید حسینی، س. (۱۳۷۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
- علوی، ف. و سعیدی، س. (۱۳۸۹). بررسی جایگاه زن در آثار واقع‌گرایانه جمالزاده و بالزاک. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱(۳)، ۳۹-۵۸.
- فارسیان، م. ر. و قادری، ف. (۱۳۹۹). *آلبر کامو در ایران*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- لطفی پور ساعدی، ک. (۱۳۷۱). *درآمدی بر اصول و روش ترجمه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- لوکاج، گ. (۱۳۸۴). *پژوهشی در رئالیسم اروپایی (بررسی جامعه‌شناختی آثار بالزاک، استاندال، زولا، تولستوی، گورکی و...)*. اکبر افسری، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ممتحن، م. و لک، ا. (۱۳۹۲). نقش ترجمه در ادبیات تطبیقی و داستان‌نویسی معاصر. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۳(۹)، ۱۱۹-۱۴۱.
- نجفی، ا. (۱۳۶۵). *مسئله امانت در ترجمه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Djavari, M. (2011). Pourquoi plusieurs traductions d'un texte littéraire?. *Recherches en Langue et Littérature Françaises*, 5(7), 1-10.
- Iser, W. (1978). *The act of reading a theory of aesthetic response*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Kibedi Varga, A. (1981). *La théorie de la littérature*. Paris: Picard.
- Sergent, L. (1950) «Balzac et la pharmacie. *Histoire de la Pharmacie*, 38(127), 49-59.